

وزیر محترم علوم، تحقیقات و فناوری

جناب آقای دکتر محمد فرهادی

با سلام؛

متأسفانه هر چند سال یک بار شایعات و یا اخبار موثقی از رفتارهای غیر اخلاقی هیأت علمی دانشگاه‌ها نسبت به دختران بی‌گناه ما در دانشگاه‌ها منتشر می‌شود که موجب هتک حرمت محیط‌های علمی است. تا آنجا که اینجانب اطلاع مستند و موثق دارم این دومین بار طی دو دهه اخیر است که دختران بی‌گناه ما در این دانشگاه مورد بی‌حرمتی واقع شده‌اند. فرض منطقی این است که ما از همه این نوع وقایع خبر نداریم.

متأسفانه در اینگونه موارد به خاطر ملاحظه‌کاری‌ها و رفیق‌بازی‌ها و عدم قاطعیت در درک فاجعه به این مقدار کفایت می‌شود که استاد خلافکار به محل دیگری منتقل شده، چیزی در پرونده‌اش درج نشده و مشمول اخراج نگردد. تجربه نشان داده که این افراد به منظور مشوه کردن اذهان پرده ساتری از دین و مذهب و احکام به روی شخصیت خود می‌کشند و بیش از دیگران از نام مذهب سوء استفاده می‌کنند.

بنابر داده‌های تجربی و روانشناختی، این اشخاص به هیچ بهانه‌ای نباید در فضای اجتماعی که قربانیان آن‌ها حضور دارند، ظاهر شوند. و این حداقل اقدام تنبیهی و اصلاحی است.

عوامل بروز و تسهیل‌گر اینگونه تعرضات و بی‌احترامی به حریم دانشجویی عبارت است از:

۱- فرهنگ و مناسبات مردسالارانه: در فضای اجتماعی و روانی تحکم آمیز مردسالارانه جوانان و به ویژه دختران برخلاف اصل برائت عمومی پیشاپیش خود را مجرم شناخته و به طور روزمره با تحقیر سیستماتیک ناشی از اعمال محدودیت‌ها و کنترل‌های افراطی در عرصه‌های عمومی و صحن علنی دانشگاه خلع سلاح شده، توان مقابله و دفاع از خود از آنان سلب می‌شود.

برخلاف تصور عامیانه هرچه آزادی‌های طبیعی و عرصه‌های ظهور و بروز رفتارهای لازمه جوانی از آن‌ها بیشتر سلب شود، بیشتر خود را مجرم، کوچک و ناتوان (کودک) احساس کرده، خلاقیت‌ها و ظرفیت‌های دفاعی خود را از دست داده و بیش از پیش تسلیم انواع شرایط تحمیلی می‌شوند. زیرا در ضمیر ناخودآگاه آنان از طرف رأس هرم قدرت و نیروهای مسلط جامعه حک می‌شود که تک تک شما بالقوه یا بالفعل مجرم هستید. واقعیات گذشته در سطح کشور نشان می‌دهد که در بعضی حوادث غم‌انگیز تجاوز، حکم تبرئه متجاوز صادر شده یا فرایند دادرسی شاکیان را خسته و مأیوس ساخته است.

۲- رابطه والد - کودک: چنین رابطه‌ای با روش‌های گوناگون برقرار می‌شود و جوانان به خصوص دختران را به انسان‌هایی مطیع و خدمتگذار تبدیل کرده، بیش از پیش وارد فضای روانی تسلیم، تمکین و عدم اعتراض نسبت به رفتارها یا نیت خزنده و لغزنده (بخوانید زیر جلی) سوء استفاده کنندگان می‌شوند. بنا بر نظر روانشناسان برقراری هرگونه رابطه والد- کودک با مخاطب به طور کلی در همه عرصه‌ها از درون خانواده گرفته تا عرصه‌های اجتماعی و سیاسی، به خصوص در عرصه‌های تربیتی و آموزشی، از دبستان تا دانشگاه خطرناک و موجب تشدید مناسبات روانی سلطه‌گر- سلطه‌پذیر، فرادست- فرودست، بالاتر- پایین‌تر شده و سوء استفاده از موضع برتر (استاد) را تسهیل می‌کند. رابطه سالم استاد- دانشجو همچون روابط بین افراد در سایر عرصه‌های عمومی رابطه بالغ- بالغ است- نه رفیق و رفیقه نه پدر و فرزند، نه مرید و مراد. افراط و تشدید جایگاه آمرانه استاد منجر به برقراری رابطه والد-کودک، فرادست - فرودست، سرور- برده، کشیش مقدس- توده گناهکار، والد مصون از خطا از یک طرف و از طرف دیگر کودک همواره خطاکار شده، جوانان را به انسان‌هایی حرف شنو، منفعل و ترسو تبدیل کرده، تمکین و تسلیم، سکوت، تحمل هرگونه شرایط تحمیلی، خودخوری، در خود فرورفتن و عدم اعتراض را در پیش می‌گیرند.

۳- برقراری رابطه رفیقانه: برقراری رابطه دوستانه، خودمانی، بازی‌گونه، شوخی و مزاح، محرمانه، و به اصطلاح چیک تو چیک با دانشجویان، به ویژه در فضاهای خلوت چه برسد در درون دفاتر اساتید.

۴- فضای بسته آغاز فرایند سوء استفاده: تجربه در همه جای دنیا نشان داده، فضای خصوصی هنگامی که بسته بوده و به ویژه اگر دارای پستوی در داری هم باشد به طوری که در معرض دید عموم نباشد و امکان ورود دیگری مشروط به کسب اجازه باشد بدترین نوع ساختار فضایی مفسده انگیز است. در حالی که عرصه عمومی (ملاء عام) اساساً مساعد روابطی که جامعه آن را نهی کرده نمی‌باشد. آنچه در ملاء عام اتفاق می‌افتد، آن چیزهایی است که جامعه آن‌ها را مجاز شناخته است. به جای سخت‌گیری در عرصه عمومی و نگرانی از اختلاط در اردو و کلاس، زمین بازی و فضای سبز، سالن‌های سینما و کنسرت و ورزشگاه‌ها، معابر عام، مهمانی‌های شام و افطار و ... باید نگران فساد در حیاط خلوت‌ها باشیم. آن‌همه سخت‌گیری و اخطار و احضار دانشجویان به خاطر سر و وضع و نوع پوشش و طرز راه رفتن و خندیدن و شوخی کردن‌هایشان در عرصه عمومی و این وقایع اسفناک غیر اخلاقی در عرصه‌های خصوصی حاکی از چیست؟ نگراننده به هیچ وجه خود را در مقام قاضی وجدان انسان‌ها قرار نمی‌دهد. از این رو به هیچ وجه مخالف برقراری ارتباط خاص و دوستانه با تراضی طرفین در هیچ مقامی به طور اعم، و به طور خاص میان استاد و دانشجو خارج از محیط رسمی دانشگاهی نیست؛ به شرط آنکه با چشم باز و آگاهی کامل، بدون فریب و نیرنگ، بدون سوء استفاده از مقام و بدون در معرض ضعف و ناتوانی قراردادن یک طرف رابطه باشد، شفافیت اساس روابط سالم، مجاز و مشروع است.

۵- ملاحظیات اخلاقی یک‌جانبه: مأخوذ به حیا بودن و نگرانی قربانیان از اعتراض حتی اعتراض زبانی چه رسد به دفاع شخصی (گرفتن دست متجاوز، سیلی زدن و ...) با توجه به نکات پیش گفته باعث تجری متجاوزین و تشویق آنان در ورود به حریم خصوصی جوانان در محیط‌های آموزشی و فرهنگی می‌شود. متأسفانه هرچه جوانان با حیاتر، عفیف‌تر، مأخوذ به حیاتر باشند، بیشتر در معرض

اینگونه تعدی‌ها واقع می‌شوند: کسانی که هرچه کمتر در جریان جدال با زندگی و در رویارویی با ناملایمات، تعدی‌ها، تعارض‌ها و چالش‌ها و تجاوزات قرار گرفته باشند، کسانی که خشونت و جبر سرسخت زندگی آن‌ها را آماده برخورد با متخلفین، افراد متجاوز و شکارچیان انسان نکرده باشد. کسانی که هرگز پایشان به نیروی انتظامی باز نشده و از ترس استنطاق تسلیم‌گرگ می‌شوند: پرندگان که از هیبت مار پیشاپیش فلج شده و جرأت رهایی و پریدن ندارند. دخترانی که ناگهان و بدون آمادگی برخورد با محیط مردانه از درون خانواده‌ای بسته که هرگز موضوع روابط غیر اخلاقی و نامشروع نبوده، هرگز با پسران محشور نبوده و نسبت به مطامع اخلاقی آنان و نیرنگ‌های شکارچیان عفت بیگانه‌اند و استاد را یک موجود برتر و قابل احترام می‌شناسد؛ پیش زمینه‌هایی که موجب تجری متجاوزین و تشویق آنان به سوء استفاده می‌شود.

۶- واهمه، نگرانی و ترس از طرح شکایت و بازسازی و بازگویی واقعه نزد مقامات دانشگاهی، انتظامی، قضایی و... به منظور طی مراحل رسیدگی و قضایی:

صحنه‌هایی که غم آن تا ابد در روح و جان قربانیان باقی می‌ماند. غم ناتوانی از دفاع از خود، ناتوانی از شکایت بردن نزد یک غمخوار، فروریختن در خود.

اگر به جوانانمان همچون بسیاری از کشورهای دیگر از دوران دبستان حریم خصوصی و حرمت اندام آن‌ها و واکنش مناسب به هرگونه حرمت شکنی و سوء استفاده آموزش داده شود، و در عین حال بیم و نگرانی از برملا شدن تجاوزات به حریم آن‌ها کاهش یابد بهتر می‌توانند از خود دفاع نمایند. چنانچه به اینان آموزش داده شود که به محض احساس نشانه‌های هرچند کوچک از تخطی و تجاوز به حریم خصوصی‌شان به هر صورت ممکن و بدون بیم و هراس از داوری دیگران، بدون حجب و حیا و ترس از آبرو ریزی و متهم شدن به بی‌عفتی عکس‌العمل مناسب نشان داده و شکایت خود را مطرح کنند، مسلماً تأثیر بسیاری در پیشگیری از این گونه وقایع دارد. نباید از آموزش شفافیت کلی و عمومی و تجهیز جوانان به روش‌های برخورد، به بهانه افشای فاحشه یا خدشه‌دار شدن حریم قدسی اساتید نگرانی به خود راه دهیم.

ترفندهای زبانی: فرهنگ، کنش‌های زبانی و نحوه سخن گفتن با دانشجویان و کارکنان (زیردستان) یکی از ابزارهای مهم سوء استفاده است، به طوری که در پاره‌ای موارد نقش تسهیل‌گر زبان مقدم بر نقش نگاه است. معمولاً تمام اجزاء هیأت زبانی (Body language) فرد از نگاه و حرکت دست و آهنگ صدا گرفته تا حرکت سایر اعضای بدن هماهنگ با هم عمل می‌کنند و آشکار کننده نیت و شخصیت افرادند. با این حال اولین قدم و آسان‌ترین راه در مخدوش کردن فضای رسمی و علمی دانشگاهی و مشوه کردن اذهان مخاطبین و سوء استفاده از رابطه شاگرد و استادی با گویش صمیمانه و به اصطلاح زبان فرانسه (توتو آئی tu-toyer) آغاز می‌شود. یعنی با مخاطب به صورت دوم شخص مفرد سخن گفتن و او را تو خطاب کردن به جای شما که رسمی و محترمانه است. در این رابطه زبانی، دانشجو که فرد بالغ، عاقل و رشیدی است و همه فضای روانشناختی اجتماعی باید به ارتقای شخصیت او کمک کند، بلافاصله وجه کودک شخصیت‌اش به جای وجه بالغ شخصیت او احضار شده و فعل پذیر می‌شود. از آنچه واقعاً هست کوچک‌تر شده به سوی تابعیت و

حرف شنوی سوق داده می‌شود. در حالی که بنا بر نظریه روان‌شناختی تحلیل روابط متقابل سالم‌ترین، شکوفا کننده‌ترین و پایدارترین رابطه رابطه بالغ – بالغ است.

یک رابطه ناسالم ابتدا با صدا کردن دانشجویان به طور دوستانه (غیرمحترمانه و غیر رسمی) با نام فامیل آن‌ها (بدون ذکر آقا و خانم) و با فعل دوم شخص مفرد بگو، بخوان، بیا و... شروع می‌شود. مرحله بعدی این فرایند عبارت است از صدا کردن دانشجویان به نام‌های کوچک. در نهایت فرایند خودمانی سازی و ایجاد رابطه صمیمانه به عزیزم و خوشگلم و ... نیز می‌رسد. بدیهی است مقصود نگارنده به هیچ روی تعمیم غیر منطقی، افراطی و یک جانبه نگری و متهم کردن تمام کسان در تمام موارد نیست. اما آنچه مهم است این که:

اعضای هیأت علمی که این زبان را به کار می‌برند از این نکته غفلت می‌ورزند که:

هر جامعه فرهنگ زبانی خاص خود را دارد و اقتباس از جوامع دیگر، دست کم بدون قید و شرط و بدون بومی سازی و در نظر گرفتن شرایط ویژه خطرناک است.

با اقتباس بسیار سطحی و غلط از فرهنگ زبانی و آداب و رسوم جوامع دیگر، آن فرهنگ به صورت نابجا و نادرست مورد استفاده و یا سوء استفاده واقع می‌شود. بحث در فرهنگ زبانی بسیار گسترده است و اینجانب آماده‌ام در هر جمعی متشکل از اعضای هیأت علمی این موضوع را به بحث و تبادل نظر بگذارم. در عین حال پیشنهاد می‌کنم به تمام اعضای هیأت علمی، کارمندان و کارکنان دانشگاه‌ها ابلاغ شود:

۱- به هیچ وجه با دانشجویان و کارکنان اعم از زن و مرد با صیغه مفرد (برو، بخوان، بگو و ...) سخن گفته نشود.

۲- به هیچ وجه به اسم کوچک آن‌ها را صدا نکند.

۳- تا هنگامی که قسمتی از دیوار اطاق اساتید (یا دست کم درب اطاق‌ها) به صورت شفاف (شیشه ساده یا سکوریت) در نیامده، به طوری که اطاق به طور کامل غیر قابل رویت نباشد. درب اطاق هیچ استاد و مقام دانشگاهی در حالی که فقط یک دختر دانشجو در آن اطاق است بسته نباشد.

۴- مطلقاً هیچ اتاقی دو دره یا پستو دار نباشد.

اعلام وصول و استحضار از اقدامات عاجلی که به عمل آورده می‌شود مزید امتنان است.

با احترام

حمید نوحی عضو هیأت علمی بازنشسته

در حال تدریس